

صخره‌ای مورد احترام سه دین توحیدی

مسجد قبه الصخره در فاصله‌ای کاملاً متساوی از دو ضلع شمالی و جنوبی باروی حرم قدسی قرار دارد. صخره عبارت است از یک تخته سنگ نامنتظم که روزگاری قله‌ی کوه موريا بوده است. این صخره آبی رنگ است ...



مسجد قبه الصخره در فاصله‌ای کاملاً متساوی از دو ضلع شمالی و جنوبی باروی حرم قدسی قرار دارد. صخره عبارت است از یک تخته سنگ نامنتظم که روزگاری قله‌ی کوه موريا بوده است. این صخره آبی رنگ است و پای هیچ انسانی بر آن نهاده نشده است. در قسمت روبروی قبه‌ی این سنگ یک فرو رفتگی وجود دارد که به نظر می‌رسد زمانی انسانی بر آن راه رفته و بر اثر آن این رد پا برجای مانده است.

بر این سنگ آثاری از هفت رد پا بر جا مانده است. گفته شده است که روزی ابراهیم پیامبر علیه‌السلام در آن منطقه بود و به همراه وی فرزند خردسالش اسماعیل نیز بود که اسماعیل در آن هنگام بر آن سنگ راه رفت، و این رد پاهای اوست.

گنبد عظیمی که بر فراز این مسجد است از چوب ساخته شده و ورق‌هایی از سرب آن را پوشانده بوده است و بر این ورق‌های سرب نیز الواحی از مس براق قرار داده شده بود. تاریخ بنای گنبد کنونی به سال 423 هجری بازمی‌گردد. این گنبد از دو جداره ساخته شده است. جداره‌ی داخلی آن را الواحی چوبین و سپس تزئینات و نقوش گچین زیبایی پوشانده است.

جداره‌ی خارجی آن را نیز الواح مس براق پوشانده است. طول قله‌ی گنبد 17 متر و 70 سانتیمتر، عرض آن 13/5 و ارتفاع آن 1/5 متر است. زیر گنبد، گودالی غار مانند قرار دارد که برای ورود به آن باید از پلکانی پایین آمد. عده‌ای بر این عقیده‌اند که این صخره کشتارگاه اصلی قربانی‌های سوزانده شده، بوده است؛ و نیز این که این غار محل ریختن خون قربانی‌ها و آب تطهیر بوده است.

روی صخره آثار ضربه‌های کلنگ بازمانده از دوران جنگ‌های صلیبی بر جای مانده است که بر اثر این ضربه‌ها تلاش شده بود تا تکه‌هایی از آن صخره جهت تبرک برکنده شود. کشیش‌های مسیحی آن دوران در مقابل هر قطعه سنگ برکنده شده معادل وزن آن را به فروشندگان طلا می‌پرداختند. مدتی به منظور محافظت از آن صخره روپوشی از مرمر بر آن پوشانده شد، اما صلاح الدین ایوبی در سالیان بعد آن پوشش را برطرف کرد.

صخره‌ای مورد احترام سه دین توحیدی

در شرق قبه الصخره گنبدی کوچک به نام قبه السلسله قرار دارد که بر شش ستون استوار است. پیرامون این ستون‌ها رواقی یازده ضلعی قرار دارد که در هر زاویه‌ی آن یک ستون مرمرین و در میان هر دو ستون یک محراب وجود دارد. این ساختمان قضاوت‌کده‌ی داوود نام دارد. در غرب قبه الصخره نیز گنبدی دیگر به نام قبه المعراج نام دارد که به یادبود معراج رسول اکرم صلی الله علیه و آله به آسمان بنا گردیده است. در جنوب قبه الصخره گنبدی دیگر به نام قبه یوسف و در جنوب غربی دروازه‌ی «دوایداریه» در شمال حرم شریف گنبد سلیمان قرار گرفته است؛ که بنایی است استوار و درون آن صخره‌ای دیگر قرار دارد.

مسجد قبه الصخره روزنه‌هایی از مرمر مشبک دارد؛ که جایگزین مشبک‌کاری‌های گچین شده‌است. شکاف‌های این روزنه‌ها با شیشه‌های رنگی تزئین شده است. قسمت‌های بالایی طاق‌ها و ستون‌ها را تزئینات زیبایی آرا بسک و خطوط کوفی و خاتم و معرق پوشانده است. همچنان که طوق بیرونی گنبد را تزئینات کاشی‌کاری پوشانده و در قسمت بالای آن به خطی عریض سوره اسراء نگاشته شده است. در قسمت داخلی کتیبه‌ای به خط کوفی مذهب به طول 240 متر وجود دارد. این کتیبه شامل آیاتی از قرآن مجید و نیز عبارتی دال بر تاریخ بنای آن ساختمان می‌شود.

در سال هفدهم هجری (636 میلادی) در دوران خلیفه‌ی دوم «مسجد جامع عمر» به فاصله اندکی از کلیسای «قیامت» در جایی که عمر در آن نقطه نماز خوانده بود بنا گردید. گفته می‌شود هنگام زیارت عمر از آن کلیسا وقت نماز فرارسید؛ از این رو پاپ سفر و نیوس از وی خواست تا در کنار او نماز بخواند. اما عمر نپذیرفت و در محلی که ایستاده بود نماز خواند؛ تا نماز خواندن وی در کنار پاپ دست‌آویزی نگردد.

در سال 154 هجری (771 میلادی) زلزله بخش شرقی مسجد را ویران ساخت. منصور عباسی فرمان داد تا صفحه‌های زرین درهای مسجد را جدا ساخته، از آن‌ها سکه ضرب کرد؛ و آن سکه‌ها را خرج بازسازی قسمت‌های آسیب دیده کرد. زلزله همچنین در سال‌های 158 و 425 و 462 هجری نیز به این مسجد آسیب‌هایی رساند. از جمله این که در زلزله‌ی سال 425 بخشی از محراب داوود فرو ریخت و نیز بخشی از مسجد ابراهیم خلیل آسیب دید.

در سال 492 هجری (1099 میلادی) صلیبیان قدس شریف را اشغال کردند؛ و مسجدالاقصی را به کلیسا تبدیل کرده، بر آن نام «تامیلوم سولومونیس» نهادند. آنان برخی از اجزای مسجد را به سکونت سازمان سواران کلیسا اختصاص داده، بخش‌هایی را که در قسمت جنوب مسجد بنا کرده بودند به انبار تسلیحات خود تبدیل کردند. آنان همچنین از سردابه‌ای زیر آن مسجد به عنوان اصطبل چارپایان خود استفاده کرده، بر بالای صخره قربانگاهی به نام معبد سرور بزرگ بنا کردند.

در سال 583 هجری (1178 میلادی) صلاح الدین ایوبی قدس را از اشغال صلیبیان رهایی بخشید؛ و فرمان داد بخش‌های تخریب شده‌ی آن را اصلاح نمایند. همچنان که محراب آن را تجدید بنا کرد؛ و منبری در آن نهاد و گنبد آن را خاتم‌کاری نمود.

در سال 1364 هجری قمری (1945 میلادی) یهودیان شهر قدس را از طریق هوا و نیز با توپخانه‌ی سنگین بمباران کردند. در جریان این بمباران در میانی مسجد از بین رفت و گنبد آن متحمل آسیب‌های سنگین گردید. آنان همچنین گلدسته‌ی باب الاسباط را مورد بمباران مستقیم قرار دادند.

در سال 1387 هجری (1967 میلادی) پس از اشغال شهر قدس توسط صهیونیست‌ها که در پی شکست جنگ ژوئن 1967 صورت گرفت، صهیونیست‌ها شهر قدس و مسجدالاقصی را ویران کردند و گنبد این مسجد را متحمل تلفات زیادی کردند.

در سال 1389 هجری (1969 میلادی) یکی از اتباع یهود یک گالن بنزین پای منبر مسجد نهاد و آن را به آتش کشید؛ که در نتیجه منبر باستانی مسجد سوخت؛ و آتش به الوارهای چوبین که گنبد بر آن‌ها تکیه داشت نیز سدایت کرد و آن‌ها را به آتش کشید.

تلاش‌های یهودیان برای آلوده‌سازی و اهانت به حرم قدسی مسجدالاقصی استمرار یافت. آنان به این بهانه که بازمانده‌های معبد سلیمان پیامبر صلی الله علیه و آله در زیر مسجدالاقصی قرار دارد بارها به حفاری و گمانه‌زنی پیرامون و زیر مسجدالاقصی پرداختند. آنان همچنین بارها کوشیدند دیوار «البراق» را که مسلمان به علت ارتباط مستقیم این دیوار با معراج پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن را تقدیس می‌نمایند به تصرف درآورند.

همچنین خاخم‌ها و متعصبان یهودی پیوسته برای نماز به داخل مسجدالاقصی وارد می‌شوند؛ تا بدین وسیله مقاصدی از پیش اندیشیده را به اثبات برسانند. و بدین ترتیب هتک حرمت‌ها و تجاوزهای مسلحانه‌ی صهیونیست‌ها به حرم قدسی و نمازگزاران همچنان ادامه دارد؛ که یکی از آخرین این موارد هتک حرمت شارون به این مسجد در تاریخ 28 سپتامبر سال 2000 میلادی بود، که نقطه آغاز انتفاضه‌ی دیگری در مسجدالاقصی بود.

منبع: دانشنامه اسلامی